

فرهنگ فقر، حاشیه نشینی و گرایش به رفتار بزهکارانه در میان جوانان حاشیه‌نشین ده پیاله شیراز در سال ۱۳۸۳

حبیب احمدی* و محمدتقی ایمان*

چکیده

گسترش رفتارهای بزهکارانه نظیر مصرف داروهای مخدر، مشروبات الکلی، رفتارهای نامشروع جنسی، خرابکاری^۱ و فرار از خانه و مدرسه در بین جوانان مناطق حاشیه‌نشین کلان شهرها همواره مورد توجه جامعه شناسان بوده است. جامعه‌شناسان شهری نظیر پارک^۲ (۱۹۶۷) ساویج و وارد^۳ (۱۹۹۳) و جامعه‌شناسان انحرافات نظیر لاوسون و هیتون^۴ (۱۹۹۹) و رید^۵ (۲۰۰۰) تمایل جوانان حاشیه‌نشین به رفتار بزهکارانه را از منظر بی‌سازمانی اجتماعی مورد توجه قرار داده‌اند. لوئیس^۶ (۱۹۹۸) حاشیه‌نشینی را با «فرهنگ فقر»^۷ همراه دانسته و ویژگی‌های خاص روانی، فرهنگی و اجتماعی کسانی که فرهنگ فقر را تجربه می‌کنند را با «بزهکاری جوانان»^۸ مرتبط می‌داند.

* بخش جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز.

1. Vandalism
2. Park
3. Savage and Warde
4. Lawson and Heaton
5. Reid
6. Lewis
7. The Culture of Poverty
8. Juvenile Delinquency

در این مطالعه از «روش پیمایشی»^۱ استفاده شده که با شیوه «خودگزارشی»^۲ اطلاعات مورد نیاز در مورد ویژگی‌های جمعیت شناختی، اقتصادی و اجتماعی پاسخگویان، مؤلفه‌های فرهنگ فقر و گرایش جوانان به رفتار بزهکارانه را جمع‌آوری نموده است. این مطالعه با هدف بررسی تأثیر شاخص‌های فرهنگ فقر بر گرایش جوانان به رفتار بزهکارانه انجام گرفته است. جامعه مورد مطالعه جوانان منطقه حاشیه‌نشین ده پیاله شهر شیراز می‌باشد. انتخاب برخی از حوزه‌های سکونتگاهی جنوب شهر شیراز که به لحاظ وضعیت اقتصادی مشابه جامعه مورد مطالعه می‌باشد به عنوان «گروه مقایسه»^۳ به منظور آزمون رابطه فرهنگ فقر با بزهکاری جوانان بوده است. یافته‌های حاصل از «تحلیل پراکنش دوسویه»^۴ بیانگر رابطه معنی‌داری حدود ۹۹ درصد بین حاشیه‌نشینی و مؤلفه‌های فرهنگ فقر نظیر عدم تمایل به پس‌انداز، احساس سرشکستگی و میل به انزوا و کمبود حمایت خانواده را با گرایش به رفتار بزهکارانه و تعامل بین حاشیه‌نشینی و مؤلفه‌های فرهنگ فقر در رابطه با رفتار بزهکارانه جوانان می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: فرهنگ فقر، حاشیه‌نشینی، بزهکاری

مقدمه

جامعه‌شناسان، «انحراف اجتماعی»^۵ را به عنوان شیوه رفتاری که بر خلاف وفاق جامعه است در نظر گرفته و آن را به عدم هم‌نوايي با يك هنجار يا مجموعه‌هائي از هنجارهايي که مورد قبول اکثریت اعضای یک جامعه واقع شده است تعريف نموده و اصطلاح بزهکاری^۶ را هنگامی به کار می‌برند که عاملین چنین شیوه رفتاری افراد زیر سن قانونی باشند (شومیکر^۷، ۱۹۹، کندال^۸، ۲۰۰۰). جرم^۹ رفتار انحرافی است که توسط افرادی انجام می‌شود که به سن قانونی رسیده‌اند. بنابراین، اهمیت بزهکاری جوانان و تفکیک آن از جرم به دلیل اینکه بزهکاری اشکال جدیدی از انحرافات اجتماعی نظیر فرار از خانه و مدرسه و تخریب اموال دولتی و خصوصی است نمی‌باشد،

1. Survey Method
2. Self- Report
3. Comparison Group
4. Two Way Analysis of Variance
5. Social Deviance
6. Delinquency
7. Shomeaker
8. Kendall
9. Crime

بلکه ارتکاب «رفتار بزهکارانه»^۱ بوسیله جوانان^۲ تحت تأثیر عوامل خاصی است که با دلایل و انگیزه‌های بزرگسالان^۳ از ارتکاب «رفتار جنایی»^۴ متفاوت است (احمدی، ۱۳۸۴).

در تبیین رفتار بزهکارانه عوامل خانوادگی همواره مورد توجه نظریه‌های جامعه‌شناسی انحرافات نظیر نظریه کنترل اجتماعی و نظریه فرهنگ فقر بوده است (احمدی، ۱۳۷۷). انگیزه جوانان در انجام رفتار بزهکارانه ممکن است طغیان و اعتراض نسبت به ارزش‌های خانوادگی و شکاف زیاد بین اعضای آن و احساسات و امیال آنی که از ویژگی‌های فرهنگ فقر حاکم بر خانواده است باشد. عدم مسئولیت‌پذیری جوانان به علت حمایت‌های قیم مآبانه و سلطه‌گرایانه والدین از فرزندان، بی‌تفاوتی بیش از حد خانواده‌ها نسبت به فرزندان یا سخت‌گیری بیش از حد آنها، نامناسب بودن و عدم کارآیی کوشش‌های والدین در جامعه‌پذیری فرزندان، هویت‌سازی فرزندان با والدینی که گاهی مرتکب رفتار انحرافی می‌شوند، آشفتگی‌های موجود در روابط خانوادگی و فضای عاطفی سرد درون خانواده و وابستگی فرزندان تنها به یکی از والدین، بویژه وابستگی آنها به مادر از عوامل خانوادگی مؤثر بر رفتار بزهکارانه است. بسیاری از این عوامل از مظاهر فرهنگ فقر می‌باشد که در مناطق حاشیه‌نشین کلان‌شهرها مشاهده می‌شود (احمدی، ۱۳۸۴).

سکونت در محله‌های شلوغ حاشیه کلان‌شهرها، جایی که جوانان در آن احساس گمنامی می‌نمایند، از عوامل سوق‌دهنده جوانان به رفتار بزهکارانه می‌باشد. حوزه‌های سکونتگاهی مناطق حاشیه‌نشین در مقایسه با سایر مناطق شهری دارای واحدهای مسکونی فرسوده و زیربنای اندک و مصالح ساختمانی نامناسب و تجهیزات ناقص می‌باشند. ساکنین این مناطق از اغلب امکانات رفاهی که خانواده‌های شهرنشین از آن برخوردارند، محروم می‌باشند. بی‌اعتنایی نسبت به سازمان‌ها و نهادهای دولتی، بویژه پلیس، ازدحام جمعیت، نداشتن کار مطمئن و دایمی و بزرگ بودن بعد خانوار از ویژگی‌های مهم اقتصادی و اجتماعی مناطق حاشیه‌نشین است که زمینه را برای رفتار بزهکارانه فراهم می‌سازد.

این پژوهش ضمن بررسی تأثیر عوامل خانوادگی بر گرایش جوانان حاشیه‌نشین به رفتار بزهکارانه، به مقایسه گرایش به بزهکاری میان جوانان حاشیه‌نشین و غیر حاشیه‌نشین می‌پردازد. مطالعه حاضر بر این پیش‌فرض استوار است که فرزندان خانواده‌هایی که بیشتر فرهنگ فقر را تجربه می‌کنند، گرایش بیشتری به رفتار بزهکارانه دارند.

چارچوب نظری

توسعه سریع و ناموزون شهرنشینی، بویژه در کشورهای در حال توسعه، موجب مهاجرت‌های فزاینده و در نتیجه افزایش مسکن ناسالم به صورت حاشیه‌نشینی شده است که پی‌آمد آن شیوع بزهکاری نظیر اعتیاد و توزیع مواد مخدر، خرابکاری، نزاع‌های محلی و سرقت می‌باشد. از ویژگی‌های مناطق حاشیه‌نشین، فقر خانواده‌های این مناطق و طولانی بودن دوره فقر، عدم مشارکت مؤثر جوانان حاشیه‌نشین در فعالیت‌های عمومی و فقدان انجمن‌های داوطلبانه است که این ویژگی‌ها زمینه را برای بزهکاری جوانان فراهم می‌سازد (احمدی، ۱۳۸۴).

پارک (۱۹۶۷) مهاجرت و حاشیه‌نشینی را از دیدگاه بی‌سازمانی اجتماعی که پی‌آمد استیلای صنعت، سطوح بالای تحرک اجتماعی و تراکم بالای جمعیت می‌باشد، مورد توجه قرار داده و بر این باور است که چنین تغییراتی در درون حوزه‌های کلان شهرها ارزش‌ها و سنت‌های بزهکارانه و جنایی را توسعه می‌دهند. محیط‌های نامأنوس شهری برای خانواده‌های مهاجرین که از فرهنگ خود جدا شده‌اند و انتخاب حاشیه کلان شهرها به عنوان محل سکونت و قرار گرفتن در شرایط خاص زندگی شهری که در کشورهای جهان سوم اغلب با بی‌سازمانی اجتماعی مواجه است به همراه فقر اقتصادی خانواده‌ها، جوانان را در برابر انحرافات اجتماعی آسیب‌پذیر می‌سازد. انسان حاشیه‌نشین شخصیتی است که از حاصل پیوند دو نظام فرهنگی متفاوت و گاهی متخاصم ظهور می‌کند. چنین موجود دورگه‌ای در زمان واحد نسبت به هر دو نظام فرهنگی احساس بستگی و تعلق دارد، ولی در عین حال خود را نسبت به هیچکدام متعلق و متمایل نمی‌داند (پیران، ۱۳۶۸).

ترکیب جمعیت مناطق حاشیه‌نشین بیشتر شامل اجتماعات خرده فرهنگی متفاوت است. به اعتقاد کوهن^۱ (۱۹۵۵) برخورد هنجارها در خرده فرهنگ‌های متفاوت شرایط را برای رفتار بزهکارانه آماده می‌سازد. علاوه بر رویارویی خرده فرهنگ‌های مختلف، معمولاً خرده فرهنگ‌های ساکنین مناطق حاشیه‌نشین که از پایگاه اقتصادی-اجتماعی پایین برخوردار می‌باشند با فرهنگ عمومی کلان شهرها در تضاد قرار می‌گیرند. به نظر کوهن این خرده فرهنگ‌ها مجموعه جدیدی از هنجارهایی را آماده می‌کند که می‌تواند پسرهای مناطق حاشیه‌نشین را که از طبقات پایین جامعه هستند، برای رفتار بزهکارانه تحریک نماید. کوهن بر این باور است که این جوانان

مانند جوانان طبقات متوسط شهری تربیت نمی‌شوند، بنابراین آمادگی لازم برای حل مشکلات بر اساس هنجارهای مسلط جامعه را ندارند و از روش‌های غیرقانونی استفاده می‌کنند و مرتکب رفتار بزهکارانه می‌شوند. به اعتقاد لوئیس (۱۹۹۸) حاشیه‌نشینی با فرهنگ فقر همراه بوده و ساکنین این مناطق که بیشتر از مهاجرین می‌باشند، به لحاظ سوابق قومی و محدودیت در «تحرک اجتماعی»^۱ و پایگاه اقتصادی و اجتماعی پایینی که دارند با ساکنین سایر مناطق شهری متفاوت می‌باشند. فقدان خلوت و حریم خصوصی در خانواده‌های حاشیه‌نشینان به گونه‌ای است که هر محدوده‌ای در دسترس و کنترل همه اعضا است، شکاف زیاد در بین اعضای خانواده، رقابت و کشمکش برای دستیابی به لوازم زندگی به دلیل کمبود آنها، احساس بی‌ارزشی و تحقیر و درماندگی و سرشکستگی، سرگردانی و بی‌هویتی و ناتوانی در فرو خوردن خشم و سایر احساسات زمینه را برای رفتار بزهکارانه در جوانان بوجود می‌آورد. ماجراجویی، پرخاشگری^۲ و تن دادن به احساسات و امیال آنی از ویژگی‌های فرهنگ فقر است که در مناطق حاشیه‌نشین حاکم است. کوتاه بودن دوران کودکی به گونه‌ای که فرزندان در سنین پایین وظایف بزرگترها را به عهده می‌گیرند، محروم بودن کودکان از حمایت‌های لازم خانوادگی، شروع روابط جنسی در سنین پایین، آزادی و استقلال فرزندان برای ترک خانه، استقلال نسبی فرزندان برای انجام برخی از رفتارهای بزهکارانه نظیر کشیدن سیگار و مصرف مشروبات الکلی از ویژگی‌های خانواده‌های حاشیه‌نشین و از شاخص‌های دیگر فرهنگ فقر است. توجه به زمان حال همراه با ناتوانی از چشم‌پوشی موقت از بعضی چیزهای خوشایند کم‌ارزش در زمان حال به خاطر چیزهای خوشایند بزرگتر در آینده، میل به گوشه‌گیری و نسبت دادن عدم موفقیت خود به قضا و قدر و مرد سالاری شدید از ویژگی‌های روانی - اجتماعی حاشیه‌نشینان است که از یک سو خرده فرهنگ فقر را شکل می‌دهد و از سوی دیگر زمینه‌ساز بزهکاری جوانان است.

«نظریه فرهنگ فقر»^۳ بر این نکته تأکید دارد که هنگامی که فرهنگ فقر در سطح اجتماعات محلی و کوچک مورد توجه قرار می‌گیرد، آنچه در نظر مجسم می‌شود، خانه‌های خراب، ازدحام جمعیت، در هم جوشی مردم و بالاتر از همه نبود تشکیلات و سازمان‌هایی است که دامنه گسترش و نفوذشان به ورای محدوده خانواده می‌رسد. به اعتقاد لوئیس در محله‌های

1. Social Mobility
2. Aggression
3. The Culture of Poverty Theory

فقیرنشین حاشیه‌های شهرها با وجود کمبود تشکیلات سازمانی، بیشتر یک احساس گروهی و روحیه همبستگی در میان آنها دیده می‌شود. هنگامی که اجاره بها کم و مدت اقامت در یک محله طولانی باشد، وقتی که جمعیت محله را گروه قومی، نژادی و زبانی خاصی تشکیل دهند که افراد آن از راه پیوندهای خویشاوندی به هم پیوستگی داشته باشند و هنگامی که تعلق خاطر به اجتماع محلی زیاد باشد زمینه برای «رفتار جمعی»^۱ نظیر شورش‌های شهری، شکل‌گیری «دار و دسته‌های بزهکار»^۲ فراهم می‌شود. از نظر لوئیس هیچ یک از این ویژگی‌ها از خصوصیات ذاتی مردم فقیر نیست. بلکه این ویژگی‌ها بوسیله محیط اجتماعی بر آنها تحمیل گردیده و بتدریج به صورت عادت در می‌آید (لوئیس ۱۹۵۹).

در تحقیقی که لوئیس قبل و بعد از انقلاب کوبا در محله‌های فقیرنشین هاوانا انجام داد، به این نتیجه رسید که اگرچه در آن محله‌ها فقر کاملاً از بین نرفته، اما فرهنگ فقر در آنجا از بین رفته و حرکتی که انقلاب در آن جامعه بوجود آورده، موجب از میان رفتن فرهنگ فقر گردیده بود، زیرا احساس بدبختی، بی‌علاقگی و نومیدی که همیشه وجوه مشخصه فرهنگ فقر در محله‌های فقیرنشین شهرها است، در میان این مردم بسیار کم به چشم می‌خورد و مردم نسبت به رهبران خود اعتماد زیادی داشتند و امیدوار بودند که در آینده زندگی بهتری داشته باشند. بعد از انقلاب مردم کوبا به علت احساس تعلق بالایی که نسبت به کشورشان داشتند احساس قدرت و اهمیت می‌کردند (اشرف، ۱۳۵۵). با توجه به پیش فرض لوئیس کاهش فرهنگ فقر بیش از فقرزدایی می‌تواند در کاهش انحرافات اجتماعی مؤثر باشد. به عبارت دیگر، کاهش فقر مادی ممکن است برای از میان بردن فرهنگ فقر و به تبع آن کاهش بزهکاری کافی نباشد زیرا که فرهنگ فقر یک شیوه زندگی است. با توجه به عوامل روانی، اجتماعی و اقتصادی که در پیش فرض‌های نظریه فقر اسکار لوئیس مطرح گردیده و وجود این عوامل و ویژگی‌ها در ساکنین مناطق حاشیه‌نشین به نظر می‌رسد که استفاده از برخی از عناصر این نظریه به عنوان عوامل مؤثر بر گرایش جوانان حاشیه‌نشین به رفتار بزهکارانه مناسب باشد.

نظریه‌های مطرح شده را میتوان برحسب رویکردشان به پدیده بزهکاری و پیش فرض‌های آنها طبقه‌بندی نمود. نظریه بوم‌شناختی پارک که با رویکرد جامعه‌شناسی شهری بزهکاری جوانان را توضیح داده بر این پیش فرض استوار است که بزهکاری با برخی از ویژگی‌های حاشیه‌نشینی نظیر

زبان، قومیت، مهاجرت و تراکم جمعیت ارتباط دارد. نظریه خرده فرهنگی کوهن که با رویکرد جامعه‌شناسی انحرافات به پدیده بزهکاری نگریسته است این پیش فرض را مطرح نموده که رفتار بزهکارانه بوسیله «دار و دسته‌های بزهکار»^۲ معمولاً در اجتماعات خرده فرهنگی طبقات پایین جامعه نظیر حاشیه‌نشینان شکل گرفته و به اجرا در می‌آید. نظریه فرهنگ فقر با رویکرد روان‌شناسی اجتماعی با این پیش فرض آغاز نموده است که فرهنگ فقر نوعی شیوه زندگی است که دارای ابعاد روانی و اجتماعی نظیر گوشه‌گیری و انزوا و عدم حمایت‌های خانواده از جوانان می‌باشد. این نظریه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است زیرا اسکارلویس به ویژگی‌های ارزشی، رفتاری و اجتماعی فرهنگ فقر می‌پردازد و حدود هفتاد خصیصه روانی-اجتماعی برای آن بر می‌شمارد که اکثر آنها قابل تعریف عملیاتی بوده و میتوان آنها را کمی و اندازه‌گیری نمود.

سؤالات اساسی در این پژوهش این است که:

۱- آیا خانواده‌های حاشیه‌نشین در مقایسه با خانواده‌های غیر حاشیه‌نشین شهری که پایگاه اقتصادی-اجتماعی مشابهی دارند، شاخص‌های فرهنگ فقر را بیشتر دارا می‌باشند؟
۲- تا چه حد تجربه بیشتر فرهنگ فقر در خانواده‌های حاشیه‌نشین موجب گرایش بیشتر جوانان حاشیه‌نشین به رفتار بزهکارانه می‌شود؟ به عبارت دیگر، صرف نظر از پدیده فقر (که در مناطق حاشیه‌نشین و مناطق سکونتگاهی طبقات پایین شهری که غیر حاشیه‌نشین می‌باشند حاکم است)، شاخص‌های فرهنگ فقر تا چه حد بر گرایش جوانان به رفتار بزهکارانه تأثیر داشته است؟
شاخص‌های فرهنگ فقر از «نظریه فرهنگ فقر» اسکارلویس استخراج شده که اغلب این شاخص‌ها در منطقه حاشیه‌نشین مورد مطالعه وجود دارد. برخی از این ویژگی‌ها عبارتند از:

- ۱- مدت اقامت مردم در این منطقه طولانی است.
- ۲- اغلب ساکنین خود مالک خانه خویش هستند.
- ۳- درصد قابل توجهی از جمعیت دارای زمینه‌های قومی، زبانی، روستایی و خویشاوندی هستند. ترکیب قومی این منطقه شامل فارس‌ها، ترکان قشقایی، غربتی‌ها، بیضایی‌ها، افغانه و گاو بازها می‌باشد.
- ۴- زیربنای خانه‌ها اغلب کم و حریم خصوصی برای فرزندان وجود ندارد.

- ۵- احساس تعلق گروهی و قومی و خویشاوندی در بین ساکنین بالا است.
- ۶- فرزندان اغلب به مادر و خویشاوندان مادری وابسته هستند.
- ۷- امکان تحرک اجتماعی در آنها بسیار پایین است و از این نظر نسبت به آینده ناامید می‌باشند و آینده‌نگر نمی‌باشند.
- ۸- عدم تمایل به پس‌انداز، ذخیره مواد غذایی و تهیه مواد غذایی به صورت کلی.
- ۹- به تقدیر و سرنوشت اعتقاد زیادی دارند.
- ۱۰- فرزندان از حمایت‌های خانوادگی به طور نسبی محروم هستند.
- ۱۱- شروع روابط جنسی در سنین کودکی.
- ۱۲- پدرها بیشتر اقتدار طلب و کمتر فرزند محور هستند.
- ۱۳- هیچ محدوده خصوصی برای فرزندان در خانواده وجود ندارد.
- ۱۴- فرزندان از استقلال زیادی برای ترک خانه برخوردارند.
- ۱۵- احساس بی‌ارزشی و سرشکستگی شدید و گوشه‌گیری.
- ۱۶- به لحاظ دانش، بینش و ایدئولوژی ضعیف بوده و تنها مشکلات وضع محله و ناحیه و شیوه زندگی خودشان را می‌شناسند.

روش پژوهش

در این مطالعه با استفاده از «روش پیمایشی»^۱ اطلاعاتی در ارتباط با ویژگی‌های جمعیت شناختی و اقتصادی و اجتماعی پاسخگویان، شاخص‌های فرهنگ فقر، متغیرهای بوم شناختی و همچنین گرایش به رفتار بزهکارانه افراد مورد مطالعه با پرسشنامه همراه با مصاحبه جمع‌آوری گردیده است. جامعه آماری این پژوهش کلیه جوانان ۱۸-۱۱ سال ساکن در منطقه ده پیاله شیراز که به عنوان منطقه‌ای حاشیه نشین شناخته شده است، می‌باشد. در اینجا می‌بایست به تفاوت میان حاشیه نشینی جوانان و جوانان حاشیه نشین توجه نمود. در ارتباط با حاشیه نشینی جوانان، آنچه مهم است روابط آنها با «گروه‌های همسال»^۲ و گاهی «گروه‌های همسال بزهکار»^۳ است که بیشتر در بین این گروه‌ها علایم بی‌هویتی و عدم تعلق به جامعه محسوس است. تجربه در ساخت

1. Survey Method
2. Peer Groups
3. Delinquent Peer Groups

طبقه‌بندی‌ها و زیر طبقه‌های گروه‌ها نشان می‌دهد که جوانان بزهکار، در بین این جوانان یافت می‌شوند (ربانی، ۱۳۸۰). منظور از جوانان حاشیه‌نشین افرادی می‌باشند که از دوران کودکی تا جوانی در مناطق حاشیه‌نشین کلان شهرها زندگی می‌نمایند و به طرق مختلف تحت تأثیر شرایط منطقه حاشیه‌ای قرار گرفته و با مسایلی نظیر فقر و فرهنگ فقر، زمینه‌های بزهکاری، عدم بهداشت، افزایش مهاجرت‌ها و بیکاری سر و کار دارند. جامعه مورد مطالعه در این پژوهش جوانان حاشیه‌نشین می‌باشد.

انتخاب گروه سنی ۱۱-۱۸ سال به عنوان جوان به این دلیل می‌باشد که موضوع تحقیق بزهکاری جوانان بوده و این پدیده با قانون و سن قانونی سر و کار دارد. پایان جوانی و ورود به بزرگسالی با شروع سن قانونی است که در ایران ۱۸ سال تمام می‌باشد. انتخاب این گروه سنی به عنوان جوان بوسیله بسیاری از پژوهشگرانی که به مطالعه بزهکاری جوانان پرداخته مورد تأیید قرار گرفته است (نوابی نژاد، ۱۳۸۳، لطف آبادی، ۱۳۸۰، احمدی، ۱۳۷۷، شومیکر^۱، ۱۹۹۰). قابل ذکر است که مفهوم جوان به لحاظ گروه سنی نسبی است. برای مثال، اگر جوان به مفهوم عام آن در نظر گرفته شود آغاز آن را سن بلوغ جسمانی (۱۳ سالگی) و پایان آن را سن ازدواج و اشتغال (۲۸ سالگی) در نظر می‌گیرند.

ده پیاله منطقه‌ای حاشیه‌نشین واقع در جنوب غربی شیراز واقع شده که دارای بافت روستایی و عشایری است که در توسعه‌های اخیر شهر شیراز به دلیل گسترش امواج مهاجرتی به سرعت توسعه یافته ولی از نظر خدمات و تأسیسات شهری یکی از فقیرترین نقاط شهر شیراز به شمار می‌رود. ترکیب جمعیتی منطقه از قومیت‌های مختلفی نظیر ترک، فارس و افغانه تشکیل شده‌است. یکی از شاخص‌های فرهنگ فقر که در گرایش به بزهکاری مؤثر است وضعیت سکونتگاه‌ها در مجموعه کاربری زمین در منطقه مورد مطالعه است. آنچه در این منطقه مشهود بوده و زمینه‌ساز بزهکاری است عدم تناسب فعالیت‌ها و کاربری‌های مختلف اراضی با جمعیت ساکن در منطقه است که عمدتاً با اصول و مبانی شهرسازی جدید همخوانی ندارد. جمعیت و نیازهای جمعیتی که در قالب فعالیت‌ها و کاربردهای مختلف زمین همچون کاربری‌های آموزشی، مذهبی، ورزشی، تجاری و صنعتی قابل تعریف است در نظریه فرهنگ فقر و نظریه بی‌سازمانی اجتماعی (مکتب شیکاگو) در تبیین بزهکاری جوانان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. جوانان

این منطقه به عنوان گروه مطالعه در نظر گرفته شده است. جامعه آماری دیگر که به عنوان «گروه مقایسه» در نظر گرفته شده است جوانان ساکن در حوالی آستانه شیراز می باشد. این دو جامعه آماری به لحاظ برخی از متغیرهای تأثیر گذار بر بزهکاری جوانان نظیر «پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده»^۱ با هم شباهت دارند. هدف از انتخاب جامعه‌ای مشابه با جامعه منطقه حاشیه‌نشین، کنترل تأثیر متغیرهای خاص بر بزهکاری جوانان است که از عناصر اساسی نظریه فرهنگ فقر استخراج شده است. فرض بر این است که گروه مقایسه با وجود اینکه به لحاظ پایگاه اقتصادی و اجتماعی خانواده با گروه مطالعه شباهت دارند، به دلیل اینکه کمتر فرهنگ فقر را تجربه نموده‌اند کمتر از گروه مطالعه مرتکب رفتار بزهکارانه می‌شوند. با توجه به حجم وسیع جامعه آماری و به منظور جلوگیری از اتلاف وقت و صرفه‌جویی در هزینه‌ها، با استفاده از تقسیمات منطقه‌ای و بلوک بندی شهرداری شیراز در هر جامعه آماری حدود ۳۵۰ نفر (حدود ۷۰۰ نفر) جوان ۱۸-۱۱ ساله به شیوه نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. ابزار سنجش پرسشنامه‌ای است که سؤالات آن در زمینه‌های ویژگی‌های شخصی، اجتماعی و محله‌ای، ویژگی‌های مربوط به روابط خانوادگی، متغیرهای مربوط به فرهنگ فقر نظیر عدم تمایل به پس انداز، خرید مواد غذایی به طور جزئی، عدم برخورداری از حمایت خانواده، احساس سرشکستگی، انزوا و گوشه‌گیری و طیفی از گویه‌های مربوط به گرایش به رفتار بزهکارانه طراحی شده است. «اعتبار»^۲ پرسشنامه با مراجعه به مبانی نظری تحقیق و مشورت با کارشناسان تعیین گردید. برای سنجش پایایی^۳ ابزار سنجش از آزمون پایایی سنجی «آلفا کرونباخ»^۴ استفاده شده است (ضریب آلفا ۸۶ درصد). داده‌های این پژوهش با استفاده از «بسته نرم افزاری علوم اجتماعی» (SPSS) مورد توصیف و تحلیل آماری قرار گرفته‌اند.

تحلیل داده‌ها

در توصیف و تحلیل داده‌ها، برخی از ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، اقتصادی و اجتماعی حاشیه‌نشینان به عنوان گروه مطالعه و غیر حاشیه‌نشینان به عنوان گروه مقایسه با یکدیگر مقایسه شده‌اند. بر اساس پیش فرض‌های نظری تحقیق برخی از ویژگی‌های دو گروه نظیر سن جنس،

1. Family's Socioeconomic Status
 2. Validity
 3. Reliability
 4. Alpha Cronbach

اشتغال به تحصیل و وضعیت اقتصادی (نوع شغل و درآمد خانواده) می‌بایست مشابه بوده و تفاوت معنی‌داری بین آنها وجود نداشته باشد. در مقابل، بعضی از متغیرها نظیر قومیت و زبان، نداشتن حریم خصوصی برای فرزندان، میزان تمایل به پس‌انداز، میزان خرید مواد غذایی به صورت کلی، کمبود حمایت خانوادگی از فرزندان و احساس سرشکستگی که از شاخص‌های فرهنگ فقر می‌باشد می‌بایست بین دو گروه حاشیه‌نشین و غیر حاشیه‌نشین تفاوت معنی‌دار وجود داشته باشد. به عبارت دیگر، میانگین شاخص‌های فرهنگ فقر در خانواده‌های حاشیه‌نشین بالاتر از خانواده‌های غیر حاشیه‌نشین باشد.

میانگین سن حاشیه‌نشینان مورد مطالعه ۱۴/۸۶ سال و غیر حاشیه‌نشینان ۱۴/۸۷ سال، در هر دو گروه حدود ۵۱ درصد مرد و ۴۹ درصد زن بوده‌اند، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که در هر دو گروه مورد مطالعه حدود ۸۰ درصد مشغول به تحصیل بوده‌اند. سرپرست خانوار بیشتر افراد هر دو گروه رده‌های شغلی پایینی داشته و به لحاظ سطح درآمد، کمتر از ۱۰۰ هزار تومان درآمد ماهانه خانواده‌ها بوده است.

یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که ۲۱/۰ درصد از غیر حاشیه‌نشینان مواد غذایی خود را به صورت کلی خریداری می‌کنند، این در حالی است که ۱۳ درصد از خانواده‌های حاشیه‌نشین به صورت کلی مواد غذایی خریداری می‌نمایند. مقایسه دو گروه همچنین نشان می‌دهد که ذخیره مواد غذایی در بین افراد حاشیه‌نشین کمتر است، بنحوی که ۵۷/۷ درصد آنها در حد کم و بسیار کم غذای مورد نیاز خود را ذخیره می‌نمایند، این در حالی است که ۴۴/۲ درصد خانواده‌های غیر حاشیه‌نشین در حد کم و بسیار کم مواد غذایی مورد نیاز خود را ذخیره می‌نمایند. مقایسه دو گروه نشان می‌دهد که گروه حاشیه‌نشین کمتر از گروه دیگر پس‌انداز می‌نمایند، بطوری که ۲۸/۲ درصد آنها هیچ پس‌اندازی ندارند، این در حالی است که ۲۰/۸ درصد از گروه غیر حاشیه‌نشین هیچ پس‌اندازی ندارند. تفاوت این دو گروه در حدی است که مجذور خی به دست آمده برای دو گروه متغیرهای مقایسه شده در سطح ۹۹ درصد معنی‌دار است.

مقایسه محل تولد پدران پاسخگویان نشان می‌دهد که ۴۳/۸ درصد پدران حاشیه‌نشینان و ۴۰/۰ درصد مادران آنها محل تولدشان مناطق روستایی و عشایری بوده است، این درصد برای غیر حاشیه‌نشینان به ترتیب ۱۱/۱ و ۱۰/۸ بوده است. در مورد زبان نیز ۳۴/۴۰ درصد حاشیه‌نشینان با زبان غیر فارسی تکلم می‌کنند، در حالی که تنها ۴/۷ درصد غیر حاشیه‌نشینان به زبان غیر فارسی سخن می‌گویند.

یکی دیگر از شاخص‌های فرهنگ فقر وجود اتاق خصوصی برای فرزندان است. داده‌های حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که در منطقه حاشیه‌نشین تنها ۱۲/۴ درصد از جوانان اتاق خصوصی دارند، در حالی که این درصد برای جوانان خانواده‌های غیر حاشیه‌نشین ۳۷/۷ می‌باشد. این نتایج با توجه به خبی دو حاصل، در سطح ۹۹ درصد معنی‌دار است. مقایسه دو گروه نشان می‌دهد که در مورد سایر شاخص‌های فرهنگ فقر نظیر احساس سرشکستگی از محل سکونت، ۲۶/۷ درصد از جوانان حاشیه‌نشین از محل سکونت خود احساس سرشکستگی می‌کنند، در حالی که این درصد برای گروه غیر حاشیه‌نشین ۲۰/۴ است که با توجه به میزان خبی دو به دست آمده این تفاوت معنی‌دار است. برخورداری کمتر از حمایت خانوادگی که شاخص دیگری از فرهنگ فقر است در داده‌های این پژوهش تأیید شده است، ۴۸/۵ درصد از جوانان حاشیه‌نشین در حد زیاد و بسیار زیاد از حمایت خانوادگی برخوردارند، این درصد برای غیر حاشیه‌نشینان ۵۷/۲ درصد است، این تفاوت با توجه به میزان خبی دو حاصل، در سطح ۹۹ درصد معنی‌دار می‌باشد. مقایسه دو گروه مورد مطالعه همچنین نشان می‌دهد که جوانان منطقه حاشیه‌نشین گوشه‌گیرتر از جوانان منطقه غیر حاشیه‌نشین می‌باشند، بطوری که ۴۹ درصد حاشیه‌نشینان موافق و کاملاً موافق با گوشه‌گیری بوده‌اند، در حالی که این درصد برای غیر حاشیه‌نشینان ۴۰/۶ درصد بوده‌اند، که این تفاوت با توجه به میزان خبی دو حاصل، در سطح ۹۹ درصد معنی‌دار است.

در مورد گرایش به رفتار بزهکارانه که در این پژوهش به عنوان متغیر وابسته شناخته شده است، داده‌های تحقیق بیانگر تفاوت معنی‌دار بین گرایش جوانان حاشیه‌نشین و گروه مشابه غیر حاشیه‌نشین در گویه‌های طیف بزهکاری است. به طور کلی مقایسه دو گروه مورد مطالعه نشان می‌دهد که گرایش به رفتار بزهکارانه در کلیه گویه‌ها در گروه حاشیه‌نشین بیشتر از گروه غیر حاشیه‌نشین است. گرایش جوانان حاشیه‌نشین در مقایسه با جوانان غیر حاشیه‌نشین که به لحاظ پایگاه اقتصادی-اجتماعی وضعیت مشابهی با حاشیه‌نشینان دارند در رفتارهای بزهکارانه نظیر تخریب اموال خصوصی، قماربازی، مصرف مشروبات الکلی، تقلب در امتحان، ایجاد مزاحمت برای مردم، استفاده از فیلم‌های سکسی، نافرمانی از والدین و توهین به آنها، تهدید دیگران، خارج ماندن از منزل تا نیمه شب، سردادن شعارهای زشت در میداين ورزشی، تأخیر و فرار از مدرسه و مصرف حشیش بیشتر بوده و با توجه به عدد خبی دو به دست آمده، تفاوت بین دو گروه معنی‌دار می‌باشد. آزمون معنی‌داری تفاوت میانگین نمره پاسخگویان از طیف گرایش جوانان به رفتار

بزهکارانه در دو گروه مورد مطالعه نشان می‌دهد که میانگین نمره پاسخگویان که در منطقه حاشیه‌نشین به سر می‌برند ۲۸/۹۴ است، در حالی که این میانگین برای منطقه غیر حاشیه‌نشین ۲۲/۷۹ است. این تفاوت با توجه به میزان F به دست آمده که ۱۸/۰۱ است در سطح ۹۹ درصد معنی‌دار می‌باشد.

جدول ۱: توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب نمره آنها از طیف گرایش جوانان حاشیه‌نشین و غیر حاشیه‌نشین از رفتار بزهکارانه

نمره	گروه حاشیه‌نشین		گروه غیر حاشیه‌نشین		جمع	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
۰-۱۷	۸۸	۲۶/۴	۱۲۱	۴۶/۴	۲۰۹	۲۵/۲
۱۸-۳۵	۱۲۱	۳۶/۴	۷۹	۳۰/۲	۲۰۰	۳۳/۷
۳۶-۵۳	۹۶	۲۸/۸	۴۲	۱۶/۱	۱۳۸	۲۳/۲
۵۴-۷۲	۲۸	۸/۴	۱۹	۷/۳	۴۷	۷/۹
بی‌جواب	۴۰	-	۳۷	-	۷۷	-
جمع	۳۷۳	۱۰۰	۲۹۸	۱۰۰	۶۷۱	۱۰۰

یافته‌های جدول ۱ نشان می‌دهد درصد جوانانی که از منطقه حاشیه‌نشین نمرات بالایی از گرایش به رفتار بزهکارانه آورده‌اند (۳۶-۵۳ و ۵۴-۷۲) بیشتر از جوانان منطقه غیر حاشیه‌نشین است.

جدول ۲: آزمون معنی‌داری تفاوت میانگین نمره پاسخگویان از طیف گرایش جوانان حاشیه‌نشین و غیر حاشیه‌نشین به رفتار بزهکارانه

گروه	تعداد	میانگین	سطح معنی‌داری	درجه آزادی	مقدار F
حاشیه‌نشین	۳۳۳	۲۸/۹۴	۰/۰۰۰	۱/۵۹۲	۱۸/۰۱
غیر حاشیه‌نشین	۲۶۱	۲۲/۷۹			

جدول ۲ بیانگر رابطه معنی‌دار بین حاشیه‌نشینی و گرایش به رفتار بزهکارانه است. داده‌های این جدول نشان می‌دهد که میانگین نمره جوانان حاشیه‌نشین ۲۸/۹۴ است، این در حالی است که میانگین نمره جوانان غیر حاشیه‌نشین ۲۲/۷۹ است.

جدول ۳: تحلیل پراکنش دو سویه بین حاشیه‌نشین و تمایل به پس‌انداز به عنوان متغیرهای مستقل و گرایش به رفتار بزهکارانه به عنوان متغیر وابسته

منبع تغییر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقادیر F	سطح معناداری
حاشیه نشین	۱۸۱۹/۱۵	۱	۱۸۱۹/۵	۱۷/۱۳	۰/۰۰۰
تمایل به پس‌انداز	۵۹۷۵/۹	۵	۱۱۹۵/۸	۱۱/۲۵	۰/۰۰۰
تعامل	۲۳۶۵/۱۱	۵	۴۷۳۰/۲	۴/۴۵	۰/۰۰۱
باقیمانده	۶۶۹۰۴/۱۱	۶۳۰	۱۰۶/۲	-	-
جمع	۷۷۴۴۱۸/۴۸	۶۴۱	۱۲۰/۸۲	-	-

یافته‌های جدول شماره ۳ بیانگر رابطه معنی‌دار (در سطح بیش از ۹۹ درصد) بین حاشیه‌نشینی و تمایل به پس‌انداز (مؤلفه فرهنگ فقر) با گرایش به رفتار بزهکارانه می‌باشد. بنابراین، جوانان حاشیه‌نشین در مقایسه با غیرحاشیه‌نشینان علاوه بر آنکه فرهنگ را بیشتر تجربه می‌نمایند به رفتار بزهکارانه نیز تمایل بیشتری دارند. بعلاوه، تعامل بین متغیر حاشیه‌نشینی و تمایل به پس‌انداز در رابطه با رفتار بزهکارانه در سطح بیش از ۹۹ درصد معنی‌دار می‌باشد.

جدول ۴: تحلیل پراکنش دوسویه بین حاشیه‌نشینی و خرید مواد غذایی بنحو جزئی به عنوان متغیرهای مستقل و گرایش به رفتار بزهکارانه به عنوان متغیر وابسته

منبع تغییر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقادیر F	سطح معناداری
حاشیه‌نشینی	۱۷۰۳/۵۴	۱	۱۷۰۳/۵۴	۱۴/۷۷	۰/۰۰۰
خرید جزئی مواد غذایی	۱۸۸۵/۶۵	۴	۴۷۱/۴۱	۱۴/۰۹	۰/۰۰۰
تعامل	۷۲۶/۲۶	۴	۱۸۱/۵۷	۱/۵۷	۰/۰۰۲
باقیمانده	۷۲۵۳۷/۷۵	۶۲۹	۱۱۵/۳۲	-	-
جمع	۷۷۳۶۹/۶۶	-	۱۲۱/۲۷	-	-

جدول ۴ نشان می‌دهد که حاشیه‌نشینان در مقایسه با غیر حاشیه‌نشینان تمایل بیشتری به خرید جزئی مواد غذایی (مؤلفه فرهنگ فقر) داشته و علاوه بر آن گرایش بیشتری نیز به رفتار بزهکارانه دارند و این روابط در سطح بیش از ۹۹ درصد معنی‌دار می‌باشند. تعامل بین دو متغیر

حاشیه‌نشینی و تمایل به خرید جزیی مواد غذایی در رابطه با گرایش به رفتار بزهکارانه در سطح بیش از ۹۹ درصد معنی‌دار است.

جدول ۵: تحلیل پراکنش، دو سویه بین حاشیه‌نشینی و برخورداری از حمایت خانواده

به عنوان متغیرهای مستقل و گرایش به رفتار بزهکارانه به عنوان متغیر وابسته

منبع تغییر	مجموع مجدورات	درجه آزادی	میانگین مجدورات	مقادیر F	سطح معناداری
حاشیه‌نشینی	۸۷۷/۲۷	۱	۸۷۷/۲۷	۹/۲۳	۰/۰۰۲
برخورداری از حمایت خانواده	۱۲۷۳۲/۲۹	۴	۳۱۸۳/۰۷	۳۳/۵	۰/۰۰۰
تعامل	۲۵۵۲/۰۳	۴	۶۳۸	۹/۷۱	۰/۰۰۰
باقیمانده	۵۹۷۷۰	۶۲۹	۹۵/۰۲	-	-
جمع	۷۷۲۲۹/۰۷	۶۳۸			

جدول ۵ نشان می‌دهد که رابطه حاشیه‌نشینی و رفتار بزهکارانه در سطح بیش از ۹۹ درصد معنی‌دار بوده و جوانان حاشیه‌نشین در مقایسه با جوانان غیر حاشیه‌نشین تمایل بیشتری به رفتار بزهکارانه دارند. همچنین بین متغیر حمایت خانواده از جوانان (مؤلفه فرهنگ فقر) و گرایش به رفتار بزهکارانه نیز در سطح بیش از ۹۹ درصد رابطه معنی‌دار وجود دارد. تعامل دو متغیر مستقل حاشیه‌نشینی و برخورداری از حمایت خانواده با گرایش به رفتار بزهکارانه نیز معنی‌دار می‌باشد.

جدول ۶: تحلیل پراکنش دو سویه بین حاشیه‌نشینی و احساس سرشکستگی به عنوان متغیرهای مستقل و

گرایش به رفتار بزهکارانه به عنوان متغیر وابسته

منبع تغییر	مجموع مجدورات	درجه آزادی	میانگین مجدورات	مقادیر F	سطح معناداری
حاشیه‌نشینی	۱۴۲۵/۴۸	۱	۱۴۲۵/۴۸	۱۳/۵	۰/۰۰۰
احساس سرشکستگی	۴۵۰۴/۸۸	۴	۱۱۲۶/۲۲	۱۰/۳۸	۰/۰۰۰
تعامل	۲۸۲۴/۴۶	۴	۷۰۶/۱۷	۶/۵۱	۰/۰۰۰
باقیمانده	۶۷۷۷۷/۹	۶۲۵	۱۰۸/۴۵	-	-
جمع	۷۷۱۹۱/۵۳	۶۳۴	۱۲۱/۷۵		

جدول ۶ نشان می‌دهد که دو متغیر حاشیه‌نشینی و احساس سرشکستگی (مؤلفه فرهنگ فقر) با گرایش به رفتار بزهکارانه در سطح بیش از ۹۹ درصد معنی‌دار می‌باشد. جوانان حاشیه‌نشین در مقایسه با جوانان غیر حاشیه‌نشین علاوه بر آنکه بیشتر احساس سرشکستگی می‌کنند، تمایل بیشتری نیز به رفتار بزهکارانه دارند. تعامل بین حاشیه‌نشینی و احساس سرشکستگی در رابطه با رفتار بزهکارانه و معنادار بودن این تعامل بیانگر این است که شاخص‌های فرهنگ فقر در مناطق حاشیه‌نشین بیشتر است و به تبع آن جوانان این منطقه در مقایسه با مناطق مشابه غیر حاشیه‌نشین تمایل بیشتری به رفتار بزهکارانه دارند.

جدول ۷: تحلیل پراکنش دوسویه بین حاشیه‌نشینی و میل به انزوا به عنوان

متغیرهای مستقل و گرایش به رفتار بزهکارانه به عنوان متغیر وابسته

منبع تغییر	مجموع مجدورات	درجه آزادی	میانگین مجدورات	مقادیر F	سطح معناداری
حاشیه‌نشینی	۱۸۴۶/۰۳	۱	۱۸۴۶/۰۳	۱۷/۲۲	۰/۰۰۰
میل به انزوا	۶۰۷۲/۰۲	۴	۱۵۱۸	۱۴/۱۶	۰/۰۰۰
تعامل	۱۴۲۷/۰۶	۴	۳۵۶/۷۶	۳/۳۳	۰/۰۶
باقیمانده	۶۷۷۴۶/۰۴	۶۳	۱۰۷/۱۹	-	-
جمع	۷۷۴۴۸/۴۸	۶۴۱	۱۲۰۸۴		

جدول ۷ بیانگر روابط معنی‌دار میان حاشیه‌نشینی و گرایش به رفتار بزهکارانه، از یک سو، و متغیر مربوط به مؤلفه فرهنگ فقر (میل به انزوا) با گرایش به رفتار بزهکارانه از سوی دیگر می‌باشد. بعلاوه بر اساس یافته‌های این جدول تعامل میان حاشیه‌نشینی و میل به انزوا در رابطه با گرایش به رفتار بزهکارانه در سطح بیش از ۹۹ درصد معنی‌دار می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

برخی از اندیشمندان رابطه گرایش جوانان حاشیه‌نشین به رفتار بزهکارانه را با محرومیت‌های اقتصادی و اجتماعی آنان بررسی کرده‌اند (بارو و سکی^۱ و مارای، ۱۹۸۵). به طور کلی، درصد قابل توجهی از حاشیه‌نشینان کلان‌شهرها از گروه‌های قومی هستند که به علت

محرومیت‌های اقتصادی و اجتماعی نظیر نرخ بیکاری بالا، داشتن مهارت‌های اندک شغلی و حرفه‌ای به این مناطق مهاجرت کرده‌اند. نرخ بیکاری بالا، داشتن مهارت‌های اندک شغلی و حرفه‌ای و مشکلات سازگاری با محیط اجتماعی جدید از ویژگی‌های این گروه‌های قومی است که محرومیت‌هایی نظیر عدم دسترسی به فرصت‌های شغلی مناسب را موجب شده است. تحقیقات آنها نشان می‌دهد که چنین محرومیت‌هایی تمایل جوانان حاشیه‌نشین را به رفتار بزهکارانه افزایش می‌دهد. برخی از پژوهش‌هایی که درباره حاشیه‌نشینان انجام شده است به رابطه بیکاری و بزهکاری در مناطق حاشیه‌نشین پرداخته‌اند (فارینگتون و همکارانش^۱، ۱۹۸۶). این مطالعات نشان می‌دهد که با افزایش نرخ بیکاری و طولانی شدن دوره‌های بیکاری در میان مهاجرین حاشیه‌نشین تمایل جوانان این مناطق به رفتار بزهکارانه تشدید می‌شود. برخلاف تحقیق فعلی که یک منطقه غیر حاشیه‌نشین که پدیده فقر را شبیه مناطق حاشیه‌نشین تجربه می‌کند به عنوان گروه مقایسه انتخاب نموده است، تحقیقات گذشته فقط به ارتباط محرومیت‌های اقتصادی و اجتماعی مناطق حاشیه‌نشین و گرایش جوانان به رفتار بزهکارانه پرداخته‌اند. بنابراین، یافته‌های حاصل از این پژوهش می‌تواند به مشارکت علمی در جهت توسعه نظریه فرهنگ فقر در تبیین بزهکاری و جرم در مناطق حاشیه‌نشین کمک نماید.

یافته‌های این پژوهش پیش فرض نظریه فرهنگ فقر در مورد حاشیه‌نشینان و ارتباط آن با بزهکاری جوانان را تأیید می‌نماید. بر اساس یافته‌های تحقیق، جوانان حاشیه‌نشین به دلیل اینکه بیشتر از غیر حاشیه‌نشینان فرهنگ فقر را در خانواده‌هایشان تجربه می‌کنند گرایش بیشتری به رفتار بزهکارانه دارند. با وجود اینکه بیشتر نظریه‌های جامعه‌شناسی انحرافات نظیر «نظریه خرده فرهنگی»^۲ (کوهن^۳، ۱۹۵۵)، «نظریه فشار»^۴ (مرتن^۵، ۱۹۷۰) و «نظریه بوم شناختی»^۶ (پارک^۷، ۱۹۶۷) بزهکاری جوانان را با فقر مرتبط دانسته‌اند. در این پژوهش علاوه بر توجه به پدیده فقر و انتخاب دو منطقه فقیرنشین (منطقه حاشیه‌نشین و منطقه غیر حاشیه‌نشین) به مؤلفه‌های فرهنگ فقر و ارتباط آنها با بزهکاری جوانان پرداخته است که می‌تواند رویکرد جدیدی در تبیین نظری و تجربی بزهکاری جوانان باشد.

1. Farrington et al
2. Subculture Theory
3. Cohen
4. Strain Theory
5. Merton
6. Ecological Theory
7. Park

پیشنهادات و راه کارها

بسیاری از ویژگی‌های فرهنگ فقر که موجب گرایش جوانان حاشیه‌نشین به رفتار بزهکارانه می‌شود به برخی از نهادها و مؤسسات اجتماعی موجود مربوط می‌شود که در توزیع منابع و خدمات به مناطق مختلف شهری، پاسخگوی نیازهای مردم مناطق حاشیه‌نشین نیستند و در این میان، نقش سازمان‌ها و مؤسسات فرهنگی در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی با هدف زدودن فرهنگ فقر و ایجاد تغییرات فرهنگی در خانواده‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. برای مثال، آموزش به خانواده‌های حاشیه‌نشین برای تحت کنترل قرار دادن حریم‌های خصوصی خانوادگی، تلاش در جهت احساس امیدواری به آینده در جوانان حاشیه‌نشین، آموزش مهارت‌های زندگی به خانواده‌های حاشیه‌نشین با هدف تغییر در سبک و اسلوب و الگوی زندگی، آموزش به جوانان به منظور ایجاد تعلق و تقید نسبت به والدین و آموزش به والدین به منظور حمایت‌های لازم و در حد توان به فرزندانشان می‌تواند در کاهش گرایش جوانان به رفتار بزهکارانه مؤثر باشد.

به اعتقاد اسکار لوتیس فرهنگ فقر و به تبع آن بزهکاری جوانان واکنشی است که افراد فقیر مناطق حاشیه‌نشین نسبت به موقعیت حاشیه‌ای خود نشان می‌دهند. گرایش به رفتار بزهکارانه در جوانان مناطق حاشیه‌نشین واکنشی است برای مقابله با انزوای اجتماعی و احساس سرشکستگی، به عنوان مؤلفه‌های فرهنگ فقر، که در این پژوهش با گرایش به رفتار بزهکارانه رابطه معنی‌دار داشته است. بنابراین، به منظور کاهش انزوای اجتماعی و احساس سرشکستگی و احساس نومیدی در جوانان این مناطق کمک به آنها در جهت ایجاد تشکل‌ها و انجمن‌های داوطلبانه و سازمان‌های غیررسمی جوانان در محله‌هایشان ضروری به نظر می‌رسد. ایجاد این انجمن‌ها و تشکل‌های غیر رسمی می‌تواند در کاهش بزهکاری در این مناطق مؤثر باشد.

فرهنگ فقر و تبعات آن با تأثیری که بر روی کودکان می‌گذارد از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. با گذشت زمان بچه‌های مناطق حاشیه‌نشین ارزش‌ها و نگرش‌های اساسی فرهنگ فقر را جذب می‌کنند. بنابراین، توزیع عادلانه فرصت‌های آموزشی و شغلی و خدمات و کالاها می‌تواند در تغییر نگرش افراد این مناطق نسبت به وضعیت موجود خود و جامعه و نظام اجتماعی کمک نموده و گرایش به رفتار بزهکارانه را در آنها کاهش دهد.

منابع

- ۱- اشرف، احمد، کثره رفتاری مسائل انسانی و آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران، انتشارات آموزشگاه عالی خدمات اجتماعی، ۱۳۵۵.
- ۲- احمدی، حبیب، نظریه‌های انحرافات اجتماعی، شیراز، انتشارات زر، ۱۳۷۷.
- ۳- احمدی، حبیب، جامعه‌شناسی انحرافات، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۴.
- ۴- پیران، پرویز، شهرنشینی شتابان و ناهمگون (آلونک نشینی در تهران)، ماهنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۲۳، ۲-۱۵، ۱۳۶۸.
- ۵- ربانی، رسول، جامعه‌شناسی جوانان، تهران، انتشارات آوای نور، ۱۳۸۰.
- ۶- لطف‌آبادی، حسین، روان‌شناسی رشد (۲) نوجوانی، جوانی، بزرگسالی، تهران، نشر ایللی، ۱۳۸۰.
- ۷- لوتیس، اسکار، پنج خانواده: مطالعه موردی از فرهنگ فقر در مکزیک، ترجمه مهدی ثریا، نامه علوم اجتماعی، شماره ۴ دوره اول، ۱۳۷-۱۲۴، ۱۹۵۹.
- ۸- نوایی نژاد، شکوه، رفتارهای بهنجار و نابهنجار کودکان و نوجوانان، تهران، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان، چاپ نهم، ۱۱۶-۱۲۴، ۱۳۸۳.
9. Borowski, A. and Murray, J. M. (1985). *Juvenile Delinquency in Australia*. Australia: Methuen.
10. Cohen, A. K. (1955). *Delinquent Boys*. New York: Free Press.
11. Farrington, D. P. Gallagher, B. Morley, L., Ledger, R. J. and West, D. J. (1986). Unemployment, School Leaving and Crime, *British Journal of Criminology*, 26: 335-356.
12. Kendall, D. E. (2000). *Sociology in our Time: The Essentials*. Canada: Nelson / Thomson Learning.
13. Lawson, T. and Heaton, T. (1999). *Crime and Deviance*. London: Macmillan Press.
14. Lewis, Oscar. (1998). The Culture of Poverty. *Society*. Vol. 35 No. 2, 7-30.
15. Merton, R. K. (1970). Social Structure and Anomie, in M. F. Wolfgang, L., Savitz and N. Johnston (Eds.), *The Sociology of*

Crime and Delinquency. New York: John Wiley and Sons, Inc., PP 238-246.

16. Park, Robert, E. (1967). The City. Suggestions for the investigation of human behavior in urban environment, PP. 1-46 in Robert E. Park Ernest W. Burgess, and Roderick D. Mckenzie (eds). Chicago: Chicago University Press.
17. Reid. (2000). *Crime and Criminology*. U. S. A.: Macgraw Hill Higher Education.
18. Savage, M. and Warde, A. (1993). *Urban Sociology: Capitalism and Modernity*. London: Macmillan Press.
19. Shoemaker, D. J. (1990). *Theories of Delinquency*. New York: Oxford University Press.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی